



نگاهی به آمار نرخ رشد اقتصادی

نور امید بر سفره کوچک اقتصاد ایران

که کنترل تورم نمی تواند به تنهایی اقتصاد را به سوی رونق پیش ببرد. شاهد این موضوع هم آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران از نرخ رشد اقتصادی است. شاخصی که به خوبی نشان می دهد اقتصاد ایران، هر چند با سرعت کمتری اما همچنان در سرازیری سقوط پیش می رود. ماجرای عمیق تر شدن رکود در یک سال گذشته، وضع نابسامان بنگاه های تولیدی و کارخانه ها، آمار بی کاری و کوچک شدن سفره مردم، کار را تا جایی پیش برده که بسیاری، سیاست های ضد تورمی دولت را نادیده می گیرند و معتقدند که همین کاهش تورم از قبیل تعمیق رکود بوده است نه تلاش دولت. به هر حال اقتصاد همچنان در حال کوچک و کوچک تر شدن است و حال دولت برای خروج از رکود با به کار گرفتن متخصصان و دولت مردان و اقتصاددانان و اساتید دانشگاه سعی در کنترل تورم دارد. پرونده پیش رو تلاشی است برای بررسی وضعیت نرخ رشد اقتصادی در کشور.



مهتاب قلی زاده

تیم اقتصادی دولت یازدهم، در همان نخستین روزهای به دست گرفتن امور، در برخورد با غول رکود تورمی، به فکر در شیشه کردن تورم افتاد. از نگاه این دولت مردان گذار از رکود و ماندگار کردن رونق به جز از راه در کنترل گرفتن تورم میسر نبود. آن ها در وضعیت رکود تورمی، اولویت اول را به کنترل تورم فزاینده دادند تا از این راه با ایجاد ثبات بیشتر در فضای اقتصادی شرایط مساعدتری برای خروج از رکود فراهم کنند. در یک سالی که گذشت شاخص های اقتصادی به خوبی این حقیقت را نشان دادند

جدیدترین آمارها از «تخفیف رشد منفی در سه ماهه چهارم سال گذشته» خبر می دهند

ترک خوردن رکود در زمستان

■ میلاد محمدی

رشد اقتصادی سال گذشته اعلام شد؛ اما با دو روایت متفاوت، روایت‌هایی از بانک مرکزی و مرکز آمار ایران. این دو نهاد نمره دولت در «تحرک بخشی به اقتصاد» را در سالی که پس از هفت درصد «انقباض» آمده بود، اعلام کردند. با این توضیح که اقتصاد سال ۱۳۹۲، تا اواخر فصل دوم به دست یک دولت اداره می‌شد و از نیمه‌های سال به بعد گروه دیگری فرمان اجرا را به دست گرفتند. اگرچه دستور بسیاری از اجزای نیمه دوم را هم، گروه نخست نوشته بودند. براساس آمارهایی که به تازگی منتشر شده است، اقتصاد ایران پس از افول سال ۱۳۹۱، در سال گذشته هم حدود دو درصد کوچک‌تر شده است. البته گزارش‌های جدید، نشان می‌دهد در زمستان سال گذشته، بخش‌های نفت و صنایع و معادن از «رشد اقتصادی منفی» خارج شده‌اند. امری که در صورت تداوم، می‌تواند به معنای دورخیز اقتصاد برای خروج از رکود در سردترین فصل سال گذشته دانسته شود.

دو سال انقباض

در هر دو آمار منتشر شده، از کوچک شدن دوباره اقتصاد ایران پس از «رکود بزرگ ۱۳۹۱» سخن گفته شده است. مرکز آمار رشد اقتصادی سال پیش را معادل منفی ۲/۲ درصد محاسبه کرده و آن یکی، از رشد منفی

۱/۹ درصدی اقتصاد در سال تغییر دولت سخن گفته است.

با کمال تعجب اما، اعلام اینکه اقتصاد حدود دو درصد کوچک شده و فرصت دیگری برای افزایش رفاه ملی از دست رفته است، اعتراض و شکایت زیادی که در پی نداشت هیچ، تا حدودی به‌عنوان یک دستاورد نگرین شده است. این واکنش چندان هم غیرمنتظره نبود. همین آمارها نشان داده بودند که اقتصاد ایران در سال پیشتر یعنی ۱۳۹۱، حدود هفت درصد منقبض شده بود. جالب آنکه بانک مرکزی به تازگی آمار قبلی خود را که رشد منفی ۵/۸ درصدی را برای سال ۱۳۹۱ بود، مورد «تجدید نظر» قرار داده و گفته که رشد اقتصادی سال مذکور، در واقع «منفی ۶/۸ درصد» بوده است.

منفی بودن رشد اقتصادی ایران در سال گذشته، نشان می‌دهد گمانه‌زنی‌ها در مورد احتمال صفر یا مثبت شدن رشد اقتصادی کشور در سال گذشته چندان هم صحت نداشته است. این گمانه‌زنی‌ها، از اعلام اولیه این احتمال از سوی برخی مسوولان اقتصادی برخاسته بود که در ماه‌های ابتدایی روی کار آمدن، گفته بودند دولت سعی خواهد کرد هم‌زمان با هدف «تورم ۳۵ درصدی برای پایان سال اول دولت»، هدف «به صفر رساندن رشد اقتصادی برای سال گذشته» را هم به پیش ببرد. احتمالاً این گفته، پیش از آن بود که گزارش‌های کاملی از وضعیت فعالیت‌های اقتصادی در کشور

به دست این مسوولان جدید برسد و با آشنا شدن آنها با چالش‌های موجود، اعتماد به نفس آنها برای سرعت خروج از رکود نیز به تدریج کم شد. حتی مشخص شد که رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ نیز به‌گونه‌ای که در یک سالگی دولت، تیم اقتصادی تصمیم گرفته‌اند که با یک بسته جامع‌تر باید به مبارزه با رکود بروند.

خروج رکود از اقتصاد

براساس گفته‌ها، دولت تدبیر و امید از همان آغاز سر کار آمدن، سیاست اصلی اقتصادی خود را در سال گذشته، «تخفیف رکود» قرار داده و کوشیده بود تا جایی که می‌تواند، از «درجه منفی بودن رشد اقتصادی» بکاهد. تصور موفقیت نسبی این تلاش، از آن رو قابل درک است که توجه کنیم آمار پیشین که «رشد اقتصادی کشور در ۹ ماهه نخست سال پیش» را مشخص کرده بود، اعلام می‌کرد: اقتصاد در دوره زمانی ابتدای سال تا پایان پاییز، منفی ۳/۴ درصد رشد کرده است. بنابراین، عملکرد فصل چهارم بهتر از سه فصل پیشین بوده که توانسته رشد منفی ۳/۴ درصدی سه‌چهارم سال را به رشد منفی ۱/۹ درصدی در کل سال تبدیل کند. براساس آمارها، رشد اقتصادی کشور در زمستان سال گذشته به منفی ۱/۱ درصد کاهش پیدا کرده است که یکی از کمترین نرخ‌های رشد پس از تشدید رکود در اقتصاد کشور به شمار می‌رود.

رشد تولید ناخالص داخلی بر حسب فعالیت اقتصادی

میانگین کل	۱۳۹۲				میانگین کل	محاسبه بر اساس سال پایه ۱۳۸۳
	زمستان	پاییز	تابستان	بهار		
۴.۷	-۴.۲	-۱.۱	۶.۹	۶.۸	۳.۷	گروه کشاورزی
-۸.۹	۳.۶	-۱۱.۷	-۲.۶	-۲۱.۹	-۳۷.۴	گروه نفت
-۲.۹	۰.۸	-۰.۵	-۵.۷	-۷.۰	-۶.۴	گروه صنایع و معادن
۰.۹	۱۱.۳	-۹.۰	-۴.۶	۴.۲	-۲.۵	معادن
-۳.۹	-۰.۸	-۱.۶	-۵.۴	-۸.۵	-۸.۵	صنعت
۵.۴	۵.۱	۶.۴	۶.۴	۳.۵	۱.۱	برق، گاز و آب
-۳.۱	۱.۸	۱.۸	-۹.۲	-۷.۸	-۳.۶	ساخت‌مان
-۱.۵	-۲.۵	-۱.۲	-۱.۰	-۱.۱	۱.۱	گروه خدمات
-۱.۹	-۱.۱	-۱.۸	-۰.۹	-۴.۱	-۶.۸	تولید ناخالص داخلی
-۱.۱	-۱.۶	-۰.۶	-۰.۸	-۱.۴	-۰.۹	تولید ناخالص داخلی بدون نفت



اجتناب از فردای سیاه

در طرح دولت، به دور راه حل «کاملاً متمایز» برای افزایش تقاضا اشاره شده است: مسیر اول، «اعطای تسهیلات بانکی با پشتوانه بانک مرکزی» که می‌تواند برای یک دوره بسیار کوتاه تولید را تحریک کند، اما سپس به تعمیق رکود و بازگشت تورم بالا منجر می‌شود. اما در مسیر دوم، «افزایش تقاضا متکی به افزایش صادرات» (تقاضای خارجی برای محصولات ایرانی) و ایجاد تحرک در بخش‌هایی چون صنعت و مسکن است که در انتهای آن، خروج پایدار و غیرتورمی، اما با کندی، از رکود قرار گرفته است. بر این اساس، افزایش صادرات نه تنها به کمک تقاضا برای بنگاه‌های ایرانی می‌آید، بلکه با در اختیار قرار دادن منابع ارزی، به رفع تنگنای منابع واحدهای تولیدی هم کمک می‌کند.

با این مقدمه، دولت پیش‌بینی می‌کند که خروج از رکود اقتصادی در سال آینده، به رونق چشمگیر اقتصادی در این سال منجر نشود، بلکه به دلیل خصلت «پایدار و کند» این راه حل، شاهد فرآیندی تدریجی باشیم، هر چند بهبود آرام شرایط ملموس خواهد بود و در بلندمدت هم، افزایش رشد اقتصادی به شکلی پایدار، غیرنوسانی و در راستای توسعه کشور انجام می‌شود. این موضوع را می‌توان معادل با گزاره‌هایی دانست که حسن روحانی در همایش رسمی دولت برای «خروج غیرتورمی از رکود» به زبان آورده بود: «تزیق نقدینگی بدون پشتوانه برای تحریک تولید، روزگشگی را به همراه دارد، اما فردایی که در پی این روز می‌آید فردای سیاهی خواهد بود». بر همین اساس است که این بار، به نظر می‌رسد سیاست‌گذار اقتصادی در ایران، با برنامه‌ریزی برای خروج «معتدل» از رکود، به دنبال دائمی کردن تورم تک‌رقمی و رشد مثبت و قابل پیش‌بینی در اقتصاد ایران است.

و تولیدات انجام شده در کشاورزی ایران در نیمه نخست سال گذشته، حدود هفت درصد بیشتر از مقدار مشابه در نیمه نخست سال ۱۳۹۱ بود. رشد بخش کشاورزی اما در پاییز سال قبل، به تدریج رکودی شد و نرخ حدود منفی یک درصدی را برای خود به جا گذاشت. با سرمای زمستان هم این رشد منفی تشدید شد و کشاورزی بارشده حدوداً منفی چهار درصدی، رکودی‌ترین بخش اقتصاد ایران در فصلی شد که نشانه‌های خروج از رکود در آن ظاهر شده بود.

رونق آرام به جای تحریک غیراصولی

بر اساس بسته سیاستی دولت که به تازگی رونمایی شده و برخی از بندهای آن هم در قالب لایحه‌ای به مجلس فرستاده شده است، تا موانع سمت عرضه برطرف نشود، تحریک سمت تقاضای اقتصاد در «مقدار تولید» کاملاً بی‌اثر است. بر این اساس خروج از رکود تنها با افزایش «قیمت تولید» و «تورم» جبران می‌شود.

با این حال، نکته مهم در وضعیت فعلی رکود که در گزارش دولت هم به آن اشاره شده، این است که رکود سمت عرضه اقتصاد، پس از مدتی و با کاهش قدرت خرید خانوارها، به سمت عرضه اقتصاد هم سرایت یافته است؛ به عبارت دیگر، تقاضای فعلی موجود در اقتصاد ایران از میزان بالقوه خود پایین آمده است. در نتیجه، برای خروج از رکود، علاوه بر اینکه باید برای تقویت عرضه اقدام شود، هم‌زمان باید به راهکاری برای بهبود وضعیت تقاضا در اقتصاد ایران نیز اندیشید. اما این افزایش تقاضا، نباید از راه سیاست‌های انبساطی باشد. پیشنهادی که دولت در این مورد مطرح می‌کند، یکی افزایش تقاضا با «تقویت صادرات غیرنفتی» است و دیگری، توجه به بخش‌هایی ویژه تحت عنوان بخش‌های «پیشران» که ایجاد تحرک در آنها، به سرعت به فعال کردن رونق در سایر بخش‌های اقتصاد منجر می‌شود.

برای درک بهتر عملکرد سال گذشته در زمینه تولید، بررسی دقیق‌تر به این شکل است که اجزای تولید کنار هم قرار داده شوند تا مشخص شود که در هر کدام از «بخش‌های چهارگانه اقتصاد ایران» چه وضعیتی از لحاظ رشد تولید - که آن را بر حسب ارزش افزوده می‌سنجند - رخ داده است. بر اساس اطلاعات مربوط به ارزش افزوده بخش‌های «نفت»، «کشاورزی»، «صنایع و معادن» و «خدمات» می‌توان شدت فعلی رکود را در هر یک از این اجزای اقتصاد، مورد بررسی قرار داد تا مشخص شود در مقایسه چالش بزرگ اقتصاد در سال ۱۳۹۱، هر کدام از بخش‌ها چه کارنامه‌ای را در مبارزه با رکود بر جای گذاشته‌اند.

بر این اساس، آمارها نشان می‌دهد که در زمستان سال گذشته، بخش نفت برای نخستین بار پس از دو سال دارای رشد اقتصادی «مثبت» به میزان ۶/۳ درصد شده است که می‌تواند نخستین «لوکوموتیو» برای خروج اقتصاد از رکود باشد. علاوه بر این، بخش صنایع و معادن هم که برای چندین فصل با کاهش فعالیت‌ها دست و پنجه نرم می‌کرد، در چهارمین فصل از سال پیش به میزان ۰/۸ درصد در مقایسه با زمستان سال ۱۳۹۱ بزرگ‌تر شده است که این بخش نیز، امیدواری‌هایی را برای خروج اقتصاد از رکود در سال جاری و مثبت شدن رشد اقتصادی امسال، زنده کرده است. نکته نگران‌کننده در گزارش جدید اما رشد منفی ۴/۲ درصدی بخش کشاورزی در زمستان سال گذشته است. بخش کشاورزی یکی از معدود بخش‌هایی در اقتصاد ایران بود که از رکود بزرگ سال ۱۳۹۱ جان سالم به در برده بود و توانسته بود در این سال، رشدی هر چند جزئی اما مثبت را برای خود تدارک ببیند. این رشد مثبت در بخش کشاورزی، در دو فصل نخست سال گذشته نیز ادامه داشته است و در مجموع، حجم فعالیت‌ها

بررسی رفتار اقتصاد ایران نسبت به دیگر کشورها

شاخص رفاه و فساد اداری، قربانی رکود



احسان شریفی *

فارغ از آمارهایی که بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در مورد نرخ رشد اقتصادی کشور داده‌اند، بانک جهانی به‌عنوان نهادی بین‌المللی این عدد را برای سال ۲۰۱۳ منفی ۱.۴۷ درصد اعلام می‌کرده است. این عدد به خوبی گواه این است که اقتصاد ایران در حال هر چه کوچک‌تر شدن است. از همین روست که اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۲ رتبه هفدهم جهان را داشته امسال هم رتبه هجدهم را از آن خود کرده است؛ برای توضیح دقیق‌تر این آمار می‌توان اشاره کرد که به گزارش مرجع مذکور، حجم اقتصاد ایران (یعنی میزان تولید ناخالص داخلی کشور) در سال ۲۰۱۲ چیزی حدود یک هزار و دو میلیارد دلار بود که این عدد در سال ۲۰۱۳ به ۹۸۷ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است. از سوی دیگر هنگامی که جایگاه ایران در رتبه‌بندی بانک جهانی تنزل پیدا می‌کند، نشان داده می‌شود که اقتصاد دیگر کشورهای کوچک نشده است؛ به سخن دیگر سایر کشورهای در حال رشد بوده‌اند. کشورهایی که بالاترین میزان افت یا همان پایین‌ترین نرخ رشد اقتصادی را تجربه کرده‌اند به این ترتیب در آمارها قرار گرفته‌اند: سوریه با منفی ۲۲.۲ درصد؛ آفریقای مرکزی با منفی ۱۸ درصد؛ لیبی با منفی شش درصد و ایران با نرخ رشد اقتصادی منفی حدود دو درصد. این در حالی است که لیبی در سال پیش بالاترین درصد نرخ رشد را در جهان تجربه کرده است؛ یعنی نرخ رشد ۱۰۴ درصدی در سال ۲۰۱۲. این سال در واقع نخستین سال پس از جنگ لیبی به حساب می‌آید و هنوز جنگ داخلی این کشور آغاز نشده بود. نکته مشهود در این میان این است که چهار کشوری که در پایین این جدول قرار دارند یا به دلیل جنگ یا به دلیل تحریم نتوانسته‌اند اقتصادشان را در تعادل و در شرایط رونق اقتصادی نگاه دارند. از سوی دیگر باید به این پرسش هم پاسخ داده شود که کشورهایی که بالاترین نرخ رشد اقتصادی را دارند، کدامند؟ سودان جنوبی با ۳۳.۹ درصد در سال ۲۰۱۳ بر صدر جدول پررونق‌ترین اقتصادها نشسته است. در پله بعد سیرالئون با ۱۷ درصد قرار دارد و پاراگوئه مقام سوم را با ۱۲ درصد از آن خود کرده است. البته عدد اقتصاد هر سه کشور از اقتصاد ایران کوچک‌تر است اما به هر روی این‌ها توانسته‌اند ساختار اقتصادی‌شان را بهبود ببخشند. مثلاً اقتصاد سودان توانسته در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱ چیزی

حدود یک سوم رشد کند. اگر چه ممکن است عدد رشد این کشور در این سال بالا باشد، اما به دلیل وقوع جنگ‌های گاه و بی‌گاه داخلی این رشد تحت تاثیر قرار می‌گیرد. موضوع قابل توجه دیگر اینکه با وجود این رشد بالا اثر اقتصادی مانند سودان بر اقتصاد جهانی بسیار کم‌رنگ بوده است. نکته بسیار مهمی که در این میان خودنمایی می‌کند این است که «چین» در میان کشورهای با رشد اقتصادی بسیار بالا قرار دارد. رشد اقتصادی چین در سال مورد بررسی (۲۰۱۳) کمتر از هشت درصد است؛ در حالی که بزرگی تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۶ هزار و ۳۷۰ میلیارد دلار است. با اندکی اغماض این رقم یعنی اقتصاد چین ۱۳ برابر اقتصاد ایران است؛ یعنی تنها رشد اقتصادی چین دقیقاً معادل کل اقتصاد ایران است. چین در میان کشورهایایی که اقتصاد بزرگی دارند، یک کشور «بی‌نظیر» است. نگاهی به نرخ رشد اقتصادی کشورهایی مثل آمریکا، انگلستان، فرانسه و... نشان می‌دهد که رشد اقتصادی آن‌ها میان یک تا ۵.۲ درصد در نوسان است؛ مثلاً نرخ رشد اقتصادی ایالات متحده با اینکه بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را رهبری می‌کند، ۱.۸ درصد برآورد شده است. در این بین تنها چین است که هم یک اقتصاد بسیار بزرگ دارد و هم یک رشد بسیار بزرگ. چین ثابت کرده که با تدبیر می‌توان چرخ‌های اقتصاد به این وسعت را هم به حرکت درآورد. مورد قابل تامل دیگر، نرخ تورم است. در این دو سال که رشد اقتصادی ایران منفی بود، نرخ تورم هم بسیار بالا بود. بر این اساس نرخ تورم ایران در سال ۲۰۱۳ چیزی حدود ۳۹ درصد بود و در سال ۲۰۱۲ حدود ۲۷ درصد. این تورم بالا در مقابل تجربه رشد اقتصادی منفی، شاخص رفاه را در ایران کاهش داده است. شاخص رفاه آن چیزی است که به طور مستقیم به زندگی مردم بستگی دارد و ایران از میان ۱۴۲ کشوری که بانک جهانی بررسی

کرده است، در مقام صد و یکم نشسته است. شاخص رفاه را موسسه‌ای به نام «لگاتوم» استخراج کرده است. این موسسه شاخص‌های اقتصاد، آموزش، بهداشت، کارآفرینی و حکومت را بررسی کرده است و از میان این‌ها در زیرشاخه اقتصاد هم ایران رتبه ۹۹ را کسب کرده است؛ یعنی ایران در خود موضوع اقتصاد هم از میانگین بسیار پایین‌تر است. نکته بسیار مهم دیگر آنکه در میان کشورهایی که رشد اقتصادی بسیاری پایینی دارند، «فساد اداری» هم بیداد می‌کند. اگر چه ممکن است رابطه تعریف شده‌ای میان این‌ها نباشد و کشورهایی با رشد اقتصادی بالا هم دچار فساد اداری باشند، اما این هم قابل تامل است که ایران در پله ۱۴۴ از نظر نرخ فساد اداری قرار گرفته است. سوریه بر پله ۱۶۸ ایستاده و لیبی هم رتبه ۱۷۲ را از آن خود کرده است. به هر حال هنگامی که اقتصاد کارآیی خودش را از دست بدهد، شفافیت‌ها از میان می‌رود، حاکم شدن روابط غیر شفاف، زمینه‌رایی برای بروز فساد اداری فراهم می‌کند. توضیح آنکه اقتصاد بزرگ می‌شود که مرتب در حال تولید محصول یا خدمت باشد، اما هنگامی که در روند تولید هر کدام نقیصه ایجاد شود، زمینه تولید بی‌کاری، تورم و فساد را ایجاد می‌کند.

اما در این بین و هنگامی که رفتار اقتصادی ایران بررسی می‌شود که چرا رشد اقتصادی این کشور در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ منفی است؟ و آیا همه کشورها با رشد منفی مواجه بودند یا خیر؟ مشخص می‌شود که خیر، همه کشورها رشد منفی را تجربه نکردند و رشد ایران از میانگین بسیار پایین‌تر قرار می‌گیرد. این نشان می‌دهد که مشکلاتی که در خود اقتصاد ایران وجود داشته‌اند، رکود را برای کشور رقم زده‌اند.

* معاون توسعه منابع انسانی
شهرداری تهران

استاد دانشگاه علم و صنعت در گفت‌وگو با «صنعت و توسعه»

افزایش نرخ رشد زمان بر است، صبور باشید

■ فرزین وفا

میزان موفقیت این بسته در گرو تاثیر آن بر نرخ رشد اقتصادی در کشور باشد. از همین رو و برای بررسی تبعات این بسته بر نرخ رشد اقتصاد به سراغ دکتر سعید میرزامحمدی رفته‌ایم. او که از دانشگاه لیورپول انگلستان در رشته اقتصاد با گرایش انتظارات عقلایی فارغ التحصیل شده است، سال‌هاست درباره نرخ رشد اقتصادی مطالعه و تدریس می‌کند.

دولت تدبیر و امید در ادامه تلاش‌هایش برای نجات اقتصاد کشور به تازگی راهکاری با عنوان «بسته خروج غیر توری از رکود» ارائه کرده است. از آن زمان بیم و امیدها در مورد میزان توفیق این بسته در نجات اقتصاد ایران افزایش پیدا کرده است. اگر چه در همین مدت کوتاه نقد و بررسی‌های متفاوتی درباره این راهکار دولت انجام شده اما به نظر می‌رسد نکته حقیقی درباره



این باعث می‌شود که فعالان سایر بخش‌ها بی‌آنکه در این حوزه بخصوص فعالیت داشته باشند، با نقاب بخش فولاد وارد بازار شده تا بتوانند از آن ارز آن تر سود بجویند. من مختصر می‌گویم که تک‌نرخ شدن ارزش اثر زیادی بر شفافیت اقتصادی دارد. ...

◆ شما گفتید که این بسته نقاط ضعفی هم دارد

در این بسته به دو موضوع پرداخته نشده است. نخست محیط پیرامونی فضای کسب و کار و دیگری محیط بیرونی فضای اقتصاد کلان. درست است که این دو موضوع به شکلی مستقیم اقتصادی نیستند و درست است که بسته پیشنهادی دولت، خروج غیر توری از رکود نام گرفته است، اما این‌ها به تنهایی برای از قلم افتادن این دو حوزه از نگاه دولت کافی نیست. ببینید بسیاری از مشکلات اقتصادی ما، ریشه در نهادهای ما دارد. این نهادها می‌تواند نهادهای قانونی، سیاسی یا حتی تجارت خارجی کشور باشد. در امتداد همین بحث دیده می‌شود که موضوع تحریم در نظر گرفته نشده است؛ یعنی هیچ راهکار مشخصی برای عبور از

کشور عمیق خواهد بود. من می‌خواهم بگویم که نقطه قوت این بسته «تولید محوری» بودن آن است، البته این به آن معنا نیست که این طرح نقاط ضعف نداشته باشد. تاکید من بر تولید محور بودن این برنامه به این دلیل است که معمولاً دولت‌ها در ایران و حتی خارج از ایران، تلاش می‌کنند برای جذب افکار عمومی سیاست‌هایی اتخاذ کنند که کوتاه‌مدت بوده و در دوره دولتمداری آن‌ها بازدهی داشته باشد؛ یعنی افق بلندمدت که از ضروریات طراحی برنامه‌های تولید محور است، در سیاست‌های دولتی کمتر وجود داشته است. تک‌نرخ شدن ارز از جمله نکات مثبت این بسته است. خب ما می‌دانیم که یکی از معضلات چند نرخی بودن ارز در ایران تقویت رانت خواری موجود در بازار ارز بوده است. در سال‌های گذشته در مطالعات اقتصاد خرد نظریه‌ای به نام «اطلاعات نامتقارن» مطرح شده که به خوبی می‌تواند پیدایش رانت خواری حول سیستم چند نرخی شدن ارز را توضیح دهد. برای مثال فرض کنید که دولت تصمیم می‌گیرد ارز ارزان‌تری را در اختیار بخش فولاد قرار دهد.

◆ پس از اعلام بسته خروج غیر توری از رکود از سوی مقام‌های دولتی عنوان شد که این بسته می‌تواند اثرات بسیار مثبتی بر نرخ رشد اقتصادی ایران بگذارد. شما درباره این اثرگذاری چگونه فکر می‌کنید؟

من با این مقدمه شروع می‌کنم؛ با توجه به اینکه من سال‌ها در حوزه اقتصاد کلان تدریس و مطالعه کرده‌ام و مدت‌ها در سازمان برنامه فعالیت داشته‌ام، می‌توانم با صراحت گفت که سال‌ها اعتقاد بر این بوده است که راهکار برون‌رفت از رکود توری، حتی از زمانی که نخستین مورد آن در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا به وجود آمد، معمولاً از راه تولید امکان‌پذیر است. بنابراین باید سیاست‌های عرضه‌ای را در پیش گرفت و نه سیاست‌ها مبتنی بر تقاضا. اتفاقاً مشاوران اقتصادی آقای روحانی یعنی آقایان نجفی و نیلی هم اعلام کرده‌اند که راهکار خروج از رکود توری معطوف به سیاست‌های عرضه‌ای است. پس در درجه نخست باید گفت که اقدام دولت در تهیه این بسته ستودنی است و تاثیر آن بر کاهش رکود در

تحریم‌ها دیده نمی‌شود. درست است که امروز خط قرمزی درباره موضوع تحریم در کشور وجود دارد، اما می‌دانیم که بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی ما به همین موضوع بازمی‌گردد. چگونگی پشت سر گذاشتن کاهش سرمایه‌گذاری در کشور نیز از دیگر مواردی است که از نگاه نویسندگان این بسته دور مانده است؛ یعنی مشخص نیست که برای افزایش علاقه، انگیزه و ظرفیت سرمایه‌گذاری در کشور باید چه راه کاری را پیش گرفت. البته در خود بسته به صراحت اشاره شده که قرار نیست به این موضوع‌ها پرداخته شود؛ چرا که نمی‌توان در کوتاه‌مدت برنامه مشخصی برای آن‌ها ارائه داد.

◆ به پرسش نخستم بازمی‌گردم؛ این بسته چه تاثیری بر نرخ رشد اقتصادی کشور خواهد داشت؟

به قطع اثرگذار است اما این موضوع کاملا زمان‌بر است. ببینید؛ رشد اقتصادی تعریف کاملا مشخصی دارد؛ یعنی افزایش سالانه تولید ملی کشور. تولید ملی هم چالش‌هایی دارد که اتفاقا بسته پیشنهادی دولت به خوبی به آن‌ها پرداخته است اما نکته‌ای وجود دارد که البته نمی‌توانم با اطمینان آن را طرح کنم. آن نکته به این بازمی‌گردد که معمولا اثرگذاری این بسته‌ها بر نرخ رشد، نیاز به زمانی شش ماهه تا دو یا حتی سه ساله دارد. در واقع به سادگی نمی‌توان انتظار داشت که تا پایان امسال نرخ رشد اقتصادی آنچنان تغییری کند. هر نوع انتظاری به جز این کاملا جاه طلبانه است. بی‌تردید هر نوع افزایش تولید ملی کاملا زمان‌بر است. مثلا خود همین برنامه اشاره کرده است که برای افزایش نرخ رشد، باید به بنگاه‌ها تسهیلات مالی اعطا شود یا صادرات کالاهای صنعتی به دیگر کشورها افزایش پیدا کند یا زمینه‌های جذب توریسم ارتقا پیدا کند. همه این‌ها به این دلیل است که تقاضا را افزایش دهند تا تولیدکننده را به تولید بیشتر ترغیب کنند. مشخص است که این پروسه، زمان‌بر خواهد بود. همان‌طور که گفتیم، در خوشبینانه‌ترین حالت اثرگذاری این برنامه بر نرخ رشد اقتصادی، شش ماه زمان می‌برد. جالب اینکه در این بسته اشاره شده است که تلاش برای این است که در گام اول، بخش‌های پیش‌روی اقتصاد ایران مثل صنعت، نفت، پتروشیمی و... تقویت شود. اصولا تقویت این بخش‌های اقتصادی حتی زمان بیشتری از آن شش ماه نیاز دارد؛ چرا که تقویت این بخش‌ها به خودی خود اثرگذار نیست و باید ارتقای آن‌ها به دیگر حوزه‌ها سرایت کند تا تقاضا افزایش و به تبع آن تولید بالا رود.

◆ بحث رکود تورمی که سال‌هاست گریبان اقتصاد ایران را گرفته است عملا موضوعی قدیمی در اقتصادهای اروپایی و آمریکای شمالی است. دلیل این تفاوت به نظر شما چیست؟ اتفاقا این موضوع بسیار قابل توجه است. عمده‌ترین دلیل وجود نداشتن رکود

تورمی در اقتصادهای پیشرفته، قوت بنیان‌های تولیدی آنها است؛ یعنی همه کشورهای پیشرفته که یک بار رکود تورمی را تجربه کرده‌اند به سراغ تقویت بنیادهای تولیدی‌شان رفته‌اند و این باعث شده آن‌ها یا بار رکود مواجه شوند یا تورم و دیگر شاهد پدیداری هم‌زمان این دو نباشند. هنگامی که بنیادهای تولیدی یک جامعه قدرت داشته باشند، در عمل این نوسان‌های تقاضا است که باعث پیدایش رکود یا تورم می‌شود. برای مثال در همین کشورها هنگامی که تقاضا از عرضه فرونی می‌گیرد تورم به وجود می‌آید اما چون بنیادهای تولیدی این کشورها قوی است، تولیدکنندگان سریع ظرفیت‌های تولیدی را افزایش می‌دهند تا از این معضل عبور کنند. در مقابل زمانی که تقاضا پایین‌تر از تولید نیروی کار می‌آید، رکود شکل می‌گیرد؛ چرا که تولیدکننده ناگزیر است، کرکره را تا نصفه پایین بکشد. به همین دلیل در دولت‌های با اقتصاد پیشرفته هنگام رویداد رکود یا تورم با بازی کردن با تقاضا سعی می‌کنند از این معضل‌ها گذر کنند. در ایران نیز به تبعیت از این دولت‌ها تلاش شده است با بالا و پایین کردن تقاضا رکود تورمی را شکست دهند اما از آن جا که بنیاد تولید در کشور نیرومند نیست، این راهکار اثر خاصی نداشته است.

◆ پس شما وجود نداشتن ظرفیت تولیدی قابل توجه در ایران را دلیل اصلی تداوم رکود تورمی می‌دانید؟ بله دقیقا. اینکه چرا مبنای تولیدی در ایران تا این اندازه ضعیف است به چالش‌ها و مشکلات متفاوتی بازمی‌گردد که می‌توان مدت‌های زیادی درباره آن بحث کرد اما نخستین دلیل قابل بحث در این مورد وابستگی بیش از اندازه به نفت است. نفت چیزی نیست که ما آن را تولید می‌کنیم. من همیشه با کنایه گفته‌ام که نفت ارزش افزوده‌ای است که خداوند آن را به وجود آورده است. در همه این سال‌ها ما نفت را فروخته‌ایم و با پولش محصول‌های مورد نیازمان را وارد کرده‌ایم. پس نه تنها ظرفیت‌های تولیدی رشدی نکرده‌اند بلکه به شدت به نوسان‌های قیمت نفت وابسته شده‌ایم. از سوی دیگر می‌توانم به قانون اشاره کنم. تعهدهای کارفرما در این قانون هم باعث شده تا هزینه‌های تولید بالا برود. برای مثال کارفرما باید بیمه همه کارگران را تامین کند، خدمات کافی ارائه دهد و... هنگامی که هزینه تولید بالا برود، عرضه کاهش پیدا می‌کند...

◆ اما نباید از حقیقت گذشت که این قانونی که شما می‌گویید، در بسیاری از بنگاه‌های تولیدی ما اجرا نمی‌شود، پس خیلی هم نمی‌توان پای آن را وسط کشید.

درست است اما صرف وجود این قانون کارفرما می‌تواند ترسانند؛ یعنی فکر می‌کند که اگر کارگری را استخدام کند، باید فلان

و بهمان هزینه آن را بپردازد و این باعث می‌شود دست و پای کارفرما بسته شود.

◆ به نظر شما کدام یک از حوزه‌های اثرگذار اقتصادی بر نرخ رشد، بیشتر مہیای تغییر و در نتیجه اثرگذاری بر رشد این نرخ است؟

من فکر می‌کنم بخش صنعت بیشترین اثرگذاری را بر نرخ رشد دارد. مشروط بر اینکه برخی پارامترها هم آماده باشد. شما می‌توانید با یک تغییر کوچک در نظام بانکی منابع لازم را در اختیار بخش صنعت بگذارید اما پارامتری که در این مورد مهم است، نظارت بر ارائه این تسهیلات است. به عبارت دیگر باید دقت کرد که مبادا بنگاه‌های فعال در دیگر بخش‌ها با نقاب مصنوعی از تسهیلات ارائه شده به بخش صنعت بهره‌مند شوند. علاوه بر این اگر بخواهیم مصداقی‌تر بحث کنیم، باید به خام‌فروشی و مشکلات ناشی از آن در صنعت نفت کشور اشاره کنیم. امروز فروش فرآورده‌های پتروشیمی در ایران، ارزش افزوده چندان متفاوتی نسبت به فروش نفت خام ندارد. مثال دیگر اینکه صادرات سنگ آهن در ایران به مرز ۱۷ میلیون تن رسیده است. ما باید بتوانیم این نوع صادرات را به محصولات نهایی شده تبدیل کنیم. ارزش افزوده ۱۰ میلیون تن محصول ساخته شده از سنگ آهن به مراتب افزون‌تر از ۱۷ میلیون تن سنگ آهن است.

پس بخش‌های مہیاتر برای این تغییر همین بخش‌هایی است که مواد خام و اولیه آن را در اختیار داریم. در مقابل باید توجه داشت که تلاش‌ها در این زمینه منحرف نشود. مثلا در همین بسته پیشنهادی اشاره شده است که توجه به صنعت توریسم می‌تواند در افزایش نرخ رشدش یا خروج از رکود تورمی اثرگذار باشد. اما من بعید می‌دانم که توریسم در این مورد و در ایران بتواند کمک‌کننده باشد. ببینید آن توریسمی که ارزش کافی به کشور وارد می‌کند، توریسمی است که می‌توان به آن «توریسم غیر فرهنگی» گفت. طبیعی است که این توریسم در ایران با موانع قانونی، شرعی و بومی رو به رو است. البته من می‌خواهم در پاسخ به پرسش شما بحث کلی تری را هم مطرح کنم. ناظر و منظور بسته خروج غیر تورمی از رکود، دولت به معنای قوه مجریه است اما برای خروج اثرگذار از رکود تورمی نیاز است تا دیگر قوا هم اقدامی کنند. این از ضروریات یک اقتصاد نهادگرا است. مثلا همان‌طور که گفتیم یکی از اصلی‌ترین نیازمندی‌های خروج از رکود تورمی تقویت ظرفیت‌های تولیدی است. متأسفانه در حال حاضر فرهنگ تولیدی کشور به سوی ثروت‌های یک شبه‌گرایی پیدا کرده است. این نوع ثروت‌ها ریشه در فساد اقتصادی دارند و برای از میان بردن آن قوه قضاییه باید اقدام کند. برای برخورد با این نوع فساد نیز به قانون‌گذاری دقیقی است که زمینه برخورد قاطع و سریع را فراهم کند که این موضوع در مجموعه وظایف قوه مقننه می‌گنجد.